

با تو هستم ای مسافر!

که دلت هوای برگشتنو داره

با تو هستم ای غریبه با دو رنگی؛ تک ستاره! مرحم رنج هزاره

از تو میگم آسمونی

ای تموم مهربونی

ای که غصه رو یه روزی

تو به آخر می رسونی

انتظارت یه عبادت

مثل روزه نمازه

شیعه با اشک و حماسه

اعتقادشو می سازه

تو طلایه دار صبحی

تا ابد جاریه نورت

از ازل بار زمونه است

روی شونه ی صبورت

تو ادامه ی غدیری

تو ترانه ی خدایی

غربت سکوت و بشکن

ای امام روشنایی

مثل آسمون بلنده

قامت سبز نمازت

قفل انتظار بشکن

به دعای چاره سازت

میدونم میای دوباره

رو کویر ما می باری

توی باغ آرزو ها

گلای نرگس می کاری

با تو هستم ای مسافر!

که دلت هوای برگشتنو داره

با تو هستم ای غریبه با دو رنگی؛ تک ستاره! مرحم رنج هزاره